

گردآورنده : مسول مدیر اخبار

منبع و تاریخ نشر : انفارمیشن کلیرنگ هوز «7-10-2014».

برگردان : پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل»

چامسکی: ایالات متحده امریکا موسس بنیاد گرایي در خاورمیا نه

Chomsky:US Spawned a Fundamentalist Frankstein in The
Mideast

خواننده گان محترم !

عنوان فوق در متن انگلیسی طور تحتاللفظی چنین ترجمه میشود « ایالات متحده امریکا باعث فرانکشتاین بنیادگرایی در خاورمیانه» - فرانکشتاین دانشمندی بود که او در ناول خود به توصیف یک کرکتر پرداخته بود که بعداً در سال «1818» پرومیتئوس ماری شیلی این کرکتر را شبیه یک انسان هیولا صفت سروصورت داد و در داستان که او در مورد این هیولای وحشی مینویسد چنین مینگرد که سرانجام همین هیولای وحشی برمیگردد و افریده کار یاهست کننده یا بنیاد گذار خود را از بین می برد چنانچه تصور بر این است که ایالات متحده امریکا به حیث بنیاد گذار گروه داعیش یا هیولای وحشی امریکا را به نیستی خواهد کشانید . (این تفصیل بمنظور توضیح نام فرانکشتاین می باشد که چامسکی در مصاحبه اش از آن ذکری بعمل آورده است ... تفصیل از مترجم).

نوام چامسکی کی است؟

نوام چامسکی از دهه های چندی بدینسو بطور گسترده و وسیع بعنوان مهمترین شخص متفکر و زنده (زبان شناس، فیلسوف، منتقد سیاسی و اجتماعی) و مخالف سرسخت و برجسته ای سیاست دولت های ایالات متحده امریکا از زمان جنگ ویتنام تا اکنون بوده او مولف بیشتر از «100» عنوان کتاب و هزارها رساله و مقالات و دریافت کننده ای ده ها دیپلوم افتخاری دوکتورا از نهادها و انستیتوت های برجسته و معتبر و سرشناس جهان معاصر می باشد آخرین کتاب او تحت عنوان «استاد انسان = مجموع مقالات و سخنرانی های او از سال (1969-2013) در یک مجلد توسط موسسه ای طباعتی مارکیت بوک { به مناسبت انتشار آخرین کتاب او زیور چاپ رایافت نوام چامسکی درین اواخر به صفت منحصر بفرد و در محدوده ای هرچه گسترده تر با (C.J.

(Polychroniou) برای نشریه او بنام (Truthout) مصاحبه نموده است که بخشی از این مصاحبه در مشهورترین و پرتیراژترین روزنامه یونانی بنام (Elefthero typia) نیز منتشر گردید است: **مصاحبه طور ذیل آغاز میشود:**

C.J Polychroniou: «اوباما» ریس جمهور ایالات متحده امریکا در یک سخنرانی ملی تلویزونی اش خطاب ب مردم امریکا و جهان در استانه بزرگداشت از سیزدهمین سال حملات ورخداد یازدهم سپتمبر در امریکا اعلام نمود که ایالات متحده امریکا مجدداً برای جنگیدن به عراق میرود ولی این بار جنگ علیه گروه «داعیش» آنهاییکه خود را دولت اسلامی عراق و سوریه اعلام میدارند لذا ایاداد و ستد دولت ایالات متحده امریکا در تهاجم بالای عراق در سال «2003» هنوز ناتمام باقی مانده است و یا اینکه وضعیت در عراق بصورت اجتناب پذیر ایجاب آنرا میکند که امپراطوری بخاطر تحقق اجندای ستراتیژی هرج و مرج خویش مجدداً در عراق داخل جنگ میشود؟

نوام چامسکی: «اجتناب ناپذیری» یک کلمه قوی است. اما ظهور دولت اسلامی عراق و سوریه و گسترش هرچه وسیع جهادگرایی افراطی نتیجه نسبتاً طبیعی تپک زدن خوب و ضربتی و اشنگتن در جامعه شکننده ای عراق بود که طی یک دهه در تحت تحریم سرسختانه ای ایالات متحده امریکا و بریتانیا قرار گرفت. بنابراین دشوار به نظر می آید که دیپلوماتهای مورد احترام در اعتراض به «نسل کشی» از طرف ملل متحد مستعفی نگردند.

یکی از قابل احترام و اصلی ترین تحلیلگر مسایل شرق میانه از زمره تحلیلگران ایالات متحده امریکا سابق فعال و کارمند اوپراتیفی سازمان اطلاعاتی سیا (CIA) آقای گراهام فولر (Graham Fuller) اخیراً چنین می نویسد: (من چنین می اندیشم و یا فکر میکنم که ایالات متحده امریکا یکی از موسسین و اساس گذار «دولت اسلامی عراق و سوریه» میباشد، که مداخلات مخرب آن در خاور میانه و جنگ در عراق از علل اساسی ظهور دولت اسلامی عراق و سوریه شمرده میشود.)

او یعنی گراهام فولر درست میگوید، من فکر میکنم وضعیت و حالات فعلی در عراق برای ایالات متحده امریکا یک فاجعه است ولی این فاجعه ثمره ای تجاوز امریکا و بریتانیا بالای عراق میباشد تجاوزیکه باعث درگیری اختلافات قومی و فرقه ای گردید یعنی پیامد تلخی که اکنون تمام منطقه را در بر گرفته

است و همگی همچو درگیری های را از اختلافات فرقه ای عراق فراگرفتند و یا به اصطلاح همه گیر شده است .

polychroniou: چنین به نظر میرسد که دولت اسلامی عراق و سوریه به حیث نماینده یک جنبش جدید جهادی با تمایلات بیشتر ذاتی و سرشتی به سمت بربریت بمنظور نیل و یا دسترسی به ایجاد مجدد خلافت اسلامی می باشد. طوریکه معلوم میشود این سازمان و یا گروه داعیش بیشتر به جلب و جذب جوانان مسلمان افراطی از قلب اروپا و حتی استرلیا و از خود القاعده در تپ و تلاش می باشد. پس به نظر شما چرا تعصب های بیشتر مذهبی مبدل به یک نیروی محرکه در عقب بسیاری از جنبش های اسلامی در سراسر جهان کشانیده میشود و یا چرا این نوع جنبش ها توسط مسلمانان افراطی گسترش داده میشود؟

نوام چامسکی: هما طوریکه قبلاً انگلیس ها از اسلام افراطی حمایت میکردند ایالات متحده امریکا با پیروی از این سیاست انگلیس ها نیز متمایل به حمایت از اسلام افراطی گردید و به مخالفت علیه ناسیونالیسم و سکولاریزم قد برافراشت لهذا هر دو کشورهای امپراتوری و یا امپریالیسم بخاطر آنکه اهداف شان مواجهه به خطر نشود و بالای غنا یم خود کنترل همه جانبه داشته باشند سیاست حمایت از اسلام افراطی را در اجندای کاری خود جا دادند، و چنین می پندارند که هرگاه گزینه های سکولار متلاشی گردد خلای که بوجود می آید توسط افراط گرایی مذهبی و اسلامی پر میگردد یعنی جای او را میگیرد، علاوه بر آن در طول سالهای متمادی عربستان سعودی یکی از اصلی ترین متحد ایالات متحده امریکا شمرده میشود کشوری که با استفاده از منابع نفت خویش به تبلیغ و ترویج اسلام افراطی و بویژه به گسترش دکنترین شدیداً افراطی و هابی/سلفی تلاش خستگی ناپذیر می نماید و در اینجا و آنجا بخاطر گسترش این دکنترین مذهبی اش مساجد و مکاتب ایجاد می نماید و همه مصارف آن مساجد و مکاتب را میپردازد (نمونه های خوب و مشخص آن مسجد فیصل در اسلام آباد و مکاتب اسلامی و یا مدارس دینی در پیشاور و دیگر نقاط پاکستان می باشد که افراط گرایی را در همچو مکاتب تبلیغ و ترویج می نمایند از این قلم).

و مجدداً میتوان اذعان کرد که عربستان سعودی و گروپی از کشورهای خلیج از جمله امارت عربی متحد آمریکا در منطقه میبا شد.

از سوی دیگر بهمان شکلی که دموکراسی در غرب در حال فرسایش است گسترش تعصبات مذهبی در غرب نیز پر رونق بوده و این گسترش تعصبات از نظر اکثریت مردم در غرب بی اهمیت و بی ارزش تلقی میگردد و کسی به آن چندان توجه نمی کند بلکه تنها آن کسانی که حامی افراط گرایی اند گسترش تعصبات و افراط گرایی را دامن میزنند که نمونه بارز و قابل توجه آن میتواند ایالات متحده آمریکا باشد همچنان اینجا در جهان تعداد کشورهای زیادی وجود ندارد که اکثریت نفوس آن کشورها معتقد به این نباشند که روند و تکامل هدایت در دست خداوند است یعنی خداوند آدمها را هدایت می نماید و تقریباً نصفی از جمعیت این کشورها چنین می اندیشند که جهان محضاً چندین هزار سال قبل ایجا شده است و با در نظر داشت همین تفکر حزب جمهوریخواهان بر آن شده است و یا وظیفه ای خود میداند که این حزب باید در خدمت ثروت و قدرت شرکت های بزرگ در آید در خدمت شرکتهای که آنها نمیتوانند سیاست واقعی خود را به همگان گسترش دهند آماده خدمت شوند و مردم را به حیث منبع رای دهنده مجبور نمایند که بالای این حزب بخاطری که با سیاست سروکار دارد اعتماد نمایند.

polychroniou: برای همه کسان همچو آفتاب روش است که ایالات متحده آمریکا مرتکب جنایات جنگی در عراق شده است ولی با وجود آن درین روزها باز همین ایالات متحده آمریکا است که به ساده گی و وحشتناک مرتکب اعمال خشونت آمیز علیه افراد ملکی بویژه علیه کودکان و مردم از اقوام و مذاهب از جوامع مختلف درین کشور میشود و از سوی دیگر اکنون برای همه کسان روشن و هویدا است که عراق در تحت رهبری «صدام حسین» دارای ثبات سیاسی مختص بخود بود لذا از این وضع فعلی بسیار کثیف در این بخش از جهان چه درس و عبرت باید گرفت؟

نوام چامسکی: ابتدای ترین درسی را که از این وضعیت موجود باید آموخت و یا بهتر است گفته شود عاقلانه خواهد بود که به قوانین و نورمهای پذیرفته شده بین المللی در ارتباط افراد ملکی وقع گذاشت و به آن قوانین پا بند بود. خشونت

و جنایاتی که توسط برخی از کشورهای صورت می‌گیرد مانند ایالات متحده آمریکا و بریتانیا هرگز این تضمین را در پی نخواهد داشت که باعث بروز عواقب فاجعه بار نگردد و هنگامیکه همچو فاجعه و تهلکه رخ دهد در آن وخت ما به تعجب نخواهد بود و ادعای ما جا مه عمل خواهد پوشید. چنانچه در گذشته های نه چندان دور با همچو اوضاع ناگوار و فاجعه بار نیز مواجهه شده ایم.

Polychroniou: حملات هوایی ایالات متحده آمریکا علیه مواضع دولت اسلامی عراق و سوریه در سوریه بیدون تایید و همکاری رژیم سوریه تحت زعامت بشر الاسد خود به مفهوم سرکشی از قوانین و میثاق های پذیرفته شده ای بین امللی نمی باشد این ادعای است که توسط دمشق، ماسکو و تهران قبل از آغاز بمبگذاری توسط نیروهای هوایی ایالات متحده آمریکا و متحدین او اذعان میشود، اما آنچه که از وضع معلوم میشود موضوع از اینقرار نیست که با تخریب و اضمحلال نیروهای دولت اسلامی عراق و سوریه رژیم سوریه نیروند و استوار خواهد گردید؟ و یا اینکه ایالات متحده آمریکا با این عمل خود رژیم اسد را میترساند و یا به او نگرانی و دردسر پیدا میکند که نوبت انقراض رژیم شما در اجندای کار ما است؟

نوام چامسکی: رژیم اسد نسبتاً آرام و خاموش به نظر می آید و آن اینکه بگونه مثال او تا اکنون به شورای امنیت سازمان ملل متحد به ارتباط مداخله در امور داخلی کشورش که بیدون شک و صریحاً نقض و سرکشی از قوانین ملل متحد و میثاق های پذیرفته شده بین المللی میباشد تقاضا عدم مداخله نه نموده و آن اینکه او معتقد به این امرست که «اگر کسی به بخشی از قانون عالیه ای کشور خود احترام داشته باشد و قانون رادر زیر سایه قانون اساسی ایالات متحده آمریکا یا قانون اساسی کشور خودش اهمیت بدهد» گاهی هم از قوانین سرکشی نخواهد کرد، و در عین زمان مطلب عمده از اینقرار است و آن اینکه اگر احیاناً رژیم اسد را منقرض سازند پس در آن صورت در بقیه جهان چی واقع خواهد شد و یا چه رخدادی بچشم خواهد خورد؟ حملات ایالات متحده آمریکا بالای مواضع گروه داعیش یا دولت اسلامی عراق و شام خود باعث تضعیف دشمن اصلی خواهد شد. یعنی تضعیف دولت بشر الاسد در سوریه تقویت گروه ضد بشر الاسد خواهد شد که ایالات متحده آمریکا نیز در پی انقراض دولت اسد میباشد.

Polychroniou : افزون بر آن بعضی از کشورهای غربی و عربی حمایت شان را از کمک های ایالات متحده امریکا در حمله علیه گروه داعیش در عراق و سوریه ابراز داشتند . لهذا این خود مورد بویژه از ترساندن یک نوع از اسلام گرایی افراطی (بگونه مثال عربستان سعودی) از اسلام گرایی افراطی نوع دیگر (دولت اسلامی عراق و سوریه یا گروه داعیش) نیست ؟

نوام چامسکی : همانطوریکه نیویارک تایمز موضوع را دقیقاً گذارش داده است کاملاً درست است که رژیم اسلامی افراطی عراق و شام (داعیش) از حملات هوایی و نظامی ایالات متحده امریکا کم و بیش ترسیده ولی در ظاهر تا هنوز به جلب کمک های مالی دونه های متمول عربستان سعودی و امارات با در نظر داشت ریشه های عمیق ایدئولوژیکی اش ادامه میدهد، چنانچه من قبلاً درین مورد گفته بودم که عربستان سعودی یکی از افراطی ترین رژیم افراطی اسلامی در جهان میباشد کشوری است که در کمک های اش برای گروه های اسلامی افراطی تا هنوز کاهش بعمل نیامده است .

Polychroniou : بعد از آنکه حماس و اسرائیل بینهم به آتش بس و قطع جنگ توافق نمودند وضع در عزه بحالت «عادی» برگشته است ، به نظر شما این وضع تا چه مدتی دوام خواهد کرد؟

نوام چامسکی : استعمال و بکار بردن کلمه «عادی شدن» کم و بیش مرا آزار میدهد و آن اینکه صریحاً باید گفت که حملات اخیر اسرائیل بالای غزه نسبت به حملات گذشته بمراتب بیبیشتر و گسترده تر بوده و تاثیرات بس هولناک بجا گذاشت افزون بر آن دیکتاتوری نظامی مصر در ضدیت همه جانبه با حماس موضوع تلخی دیگری میتواند تلقی شود که بر این تراژیدی افزون گردید بهر صورت در اینجا باید اذعان کرد که بعداً چه اتفاقی خواهد افتاد؟ اتفاقات بعدی از این قرار بود که روابط بین اسرائیل و مقامات فلسطینی بعد از عقد توافقنامه ماه نومبر «2005» بینهم بگونه ای منظم و عادی برگشت که بعداً این توافقنامه را بنام گشایش راه ترانزیتی (عبور و مرور بین غزه و مصر در رفح «Rafah» برای صادرات کالا و حمل و نقل مردم، ادامه بهره برداری از تقاطع میان اسرائیل و غزه برای واردات و صادرات محصولات و عبور و مرور مردم بمنظور کاهش موانع در راه بس ها و ولاری ها و دیگر عراده جات به ویست بانک

(west Bank) (وغزه) نامیدند و از سوی دیگر اعمار یک بندر بحری در غزه و بازکشایی میدان هوایی در غزه بود که اخیراً در اثر بمب گذاری های نظامیان اسرائیلی تخریب و منهدم گردید .

توافقنامه بعدی با اجندای مشابهه با جابجا سازی انواع موضوعات دیگری که با تایید و تصدیق و موافقه اسرائیل همچو تفاهم نامه فعلی تنظیم و ترتیب میگردد مقامات اسرائیلی بعضاً از مفادات همچو توافقنامه ها عدول مینمایند در حالیکه حماس به تعهد و قول خود تا آنزمان ایستاده گی نماید تا آنکه بعضی از اسرائیلی ها باعث تشدید تحریک و واکنش حماس نگردند ولی هنگامیکه حماس در مقابل تحریک اسرائیلی ها واکنش سخت از خود نشان میدهند درین موقع برای اسرائیل فرصتی دیگری مساعد میگردد که چمن سبز پربار خود را در تضاد با حماس رنگ و صورت دیگری دهد .

در دوره ها و حالات آرام و خاموش و موقت و گذری (خاموشی یکطرفه) برای اسرائیلی ها فرصتی میها میگردد تا به توسعه و گسترش سیاست و اهداف قبلاً برنامه ریزی شده ای خود بغرض دستیابی هر آنچه که اسرائیلی ها آن دستیابی ها را در ویست بانک (west Bank) با ارزش میدانند بجلو در حرکت می افتند و فلسطینی هارا مجبور به ترک و گریز و جدایی از هم می سازند، در اینجا باید اذعان کرد که این همه اقدامات و عملیاتی که توسط اسرائیلی ها صورت میگیرد ناشی از کمک های حاکم طای مابانه ای اعم از نظامی - اقتصادی و دیپلوماتیکی و ایدیولوژیکی ایالات متحده امریکا در چوکات موضوعات توأم در توافق با چشم انداز اولیه اسرائیل صورت میگیرد

بهر صورت هدف اصلی در مذاکرات سال (2005) عبارت از «عدم دخالت» اسرائیل در نوار غزه بود در حالیکه همچنان قدرت و نیروی اشغال «به استثنای اسرائیل بگفته ای امریکا» در جهان به رسمیت شناخته شده است یعنی جهانیان معتقد اند که در جهان نیروهای اشغالگر وجود دارد ولی متأسفانه که در ایالات متحده امریکا معمار و مذاکره کننده ای ارشد منازعات اسرائیل و فلسطین است که مفتضحانه از «عدم دخالت» شیرون (sharon) نخست وزیر اسرائیل وابسته و دوست قرین دوب و ایگلاس (Dov Weisglass) سخن میزند-اقای و ایسگلاس دوست شیرون به مطبوعات چنین اذعان مینماید: مفهوم برنامه «عدم دخالت» انجماد روند صلح میباشد و هنگامیکه شما این روند را منجمد سازید پس در

واقیعت امر شما خود جلوگیری از تشکل دولت فلسطین و جلوگیری از بحث و مذاکره در مورد پناه جویان مرزها و اوریشیلیم می نماید. بهر صورت او یاد اور میشود که این بسته کامل بطور موثر بنام دولت فلسطین نامگذاری شده است و همه آنچه که مستلزم این دولت میباشد با در نظر داشت مجوز مقامات عالیه و از برکت ریاست جمهوری ایالات متحده امریکا و تصویب هر دو مجلس کنگره از اجندای کاری ما حذف شده است.

همچو الگوها و نمونه ها تکرار در تکرار قبلاً نیز بمشاهده رسیده است و آنچه که امروز به نظر میرسد ممکن واکنش مجدد همچو الگوها باشد، بهر صورت برخی از مفسران با معرفت اسرائیلی چنین افاده می نمایند که ظلم و تعدی اسرائیلی هادر غزه بلاخره فروکش خواهد کرد و در پهلوی آن تصاحب غیر قانونی بخشهای بانک غرب (west Bank) بشمول «اوریشیلیم بزرگ» که بالا اثر اقدامات مقامات بلند بالای اسرائیل صورت گرفته است ممکن با در نظر داشت برنامه ریزی شده ای قبلی این بخشهای تحت اشغال دوباره به جانب فلسطین مسترد نگردد و بویژه که اکنون با متحد دیکتاتور وحشی صفت مصری خود در تعاون و همکاری نزدیک قرار دارد، علاوه بر آنچه که تاکنون موضوعات لازم را به بحث گرفتیم مطلب نگران کننده ای دیگر اینست که ظهور گروه داعیش آنچنانیکه منطقه رابه تهلکه و تراژیدی غم انگیز فرورده است در عین زمان پرده از همکاری و اتحاد ضمنی با عربستان سعودی و دیگر متحدین اش را نیز بلند میسازد و آن بدین مفهوم که عربستان سعودی یکی از متحدین پروپاقرص گروه داعیش میباشد.

قابل یاد آوری است که اسرائیل همین اکنون بنا به سیاست در دست داشته خویش ممکن است از افراطگرایی شدید عقب نشینی نموده باشد گرچه در حال حاضر کدام نشانه ای بارز از عدم افراطگرایی مفرط اسرائیل بچشم نمیخورد و یا دلیلی مبنی بر رفع شک و تردید در ارتباط افراطگرایی اسرائیل در دسترس نیست.

Polychroniou: آخرین قتل عام اسرائیل در غزه احساسات همگانی را در سراسر جهان علیه دولت اسرائیل بطور فزاینده به هم زد و در عین زمان کاملاً روشن شد که تا چه حدود دولت اسرائیل از حمایت در مقایسه بجلو افتادن از عوامل سیاسی داخلی بی قید و شرط دولت ایالات متحده امریکا برخوردار

است و شما چه نوع تغییرات و شرایطی را همین اکنون در پالسی واشنگتن به ارتباط تل ابیب ملاحظه می فرمایید؟

نوام چامسکی : بجواب سوال شما باید بعرض برسانم و آن اینکه در اینجا عوامل بسیار نیرومند داخلی وجود دارد و از جمله این عوامل یکی آن هم همانا تصویر درست حمله و تهاجم اسرائیل بالای غزه میباشد ، نقطه قابل تعمق اینست که سلاح های اسرائیل ویا مهمات نظامی که همین اکنون در دسترس اسرائیل قرار دارد ، اگر احياناً نتواند در مسابقات تسلیحاتی اهداف از قبل تعیین شده خود را تحت آتش قرار دهد ، در آنصورت ایالات متحده امریکا با جبین کشاده سلاحهای مدرن و پیشرفته را که قادر به انجام هر نوع عملیات ها میباشد و برای بار اخر توسط ماهران نظامی امریکا از ما یش گردیده است در اختیار اسرائیل میگذارد در اینجا نقطه دیگر قابل تذکر اینست ، که این سلاحها از قبل برای اسرائیل سهم بندی شده و در سلاح کوت های ایالات متحده امریکا جابجا گردانیده شده است ، ناگفته پیدا است که روابط نظامی بین اسرائیل و ایالات متحده امریکا سابقه و پس منظر بسیار طولانی دارد بویژه روابط تنگاتنگ اطلاعاتی و جاسوسی بین هر دو طرف . از سوی دیگر اسرائیل از نظر جیوستراتژیک و موقعیت خود برای سرمایه گذاری ایالات متحده امریکا نه تنها محل و موقعیت مورد علاقه از لحاظ اقتصاد پیشرفته نظامی میباشد بلکه این امریکا است که از بلوک رای دهنده گان از مسیحیان انجیلی افراطی و متعصب حامیان و طرفداران اسرائیلی سود می برد و در پهلوی اینهمه توضیحات و روابط بین امریکا و اسرائیل هستند تعداد بی شمار از حامیان ولابی های اسرائیل که به سرعت در را باز می نمایند و به کمک اسرائیل می شتافند در صورتیکه اگر سر و مداران ایالات متحده امریکا خواسته باشند با اسرائیل در تقابل قرار گیرند - مطلبی است که به هیچ صورت قابل تعجب نیست .

با در نظر داشت توضیحات فوق لازم به یادآوری است که اکنون آنچنانیکه دیده میشود تغییرات قابل ملاحظه در احساسات مردم بویژه در جوانان و حتی در اجتماعات یهودیان بوجود آمده است ، من درین مورد مانند سایر مردم تجربه شخصی دارم و آن اینکه در فاصله های نه چندان دور وقتی که من بالای موضوعات داغ سیاسی در کالج ها و در جا های پراز دحام و حتی در پوهنتون

خود صحبت میکردم و یا بیا نیه میدادم برای حفاظتجان خود پولیس و یا بادیگارد در خدمت داشتیم که به مرور زمان این وضع کاملاً تغیر خورد یعنی که بعداً پولیس و یا بادیگارد اصلاً در خدمت نداشتیم. اکنون آنطوریکه دیده میشود در اکثریت محلات و کمپسها بین فلسطینی ها یک تعهد سترگ و بزرگ وجود دارد. که میتوان آن را نشانه ای خوبی از منسبات دانست و بخاطر باید داشت که با گذشت زمان دور از امکان نیست که این تغیرات با تعداد از عوامل دیگر مدغم نگردد و بجای نرسد که در سیاست ایالات متحده امریکا نیز تغیرات قابل ملاحظه رخ ندهد چنانچه همچو تغیرات قبلاً رخ داده است. اما برای آنکه همچو تغیرات بوقوع ببپیوند ایجاب کار سخت و جدی را می نماید که باید با تحمل و شکیبای در صد د همچو تغیرات تلاش صورت گیرد .

Polychroniou: اهداف و مقاصد سیاست ایالات متحده امریکا در اوکراین
بغیر از ایجاد پرابلم و دادن مجوز به دیگران بغرض بسر رساندن و اجرای اعمال زشت و کثیف دیگر چه است ؟

نوام چامسکی: بلافاصله پس از سقوط دیوار برلین و بعد از پروپاشی اتحاد جماهیر شوروی ، ایالات متحده امریکا در جستجوی گسترش سلطه ای خود با توسعه و پذیرش عضویت کشورهای آزاد شده از کنترل روسیه را در پیمان اتلانتیک شمالی (ناتو) با نقض وعده های تقریری که با گرجیچ داده بود گردید و اعتراض گرجیچ را در این مورد نادیده گرفت و آنرا رد نمود ، که به این ترتیب مسلماً میتوان گفت که **اوکراین** برای ایالات متحده امریکا میوه سفری بعدی بود و ایالات متحده امریکا در آرزوی آن بوده که این این میوه سفری بعدی را از درخت پرثمری بچیند .

polychroniou: آیا روسیه مبنی بر اتحاد بالقوه اوکراین با ناتو نگرانی مشروع و قانونی ندارد؟

نوام چامسکی: نگرانی مشروع و قانونی روسیه بطور کل به ارتباط توسعه و گسترش ناتو در منطقه میباید و این خود یک موضوع کاملاً روشن و آشکار است که حتی عنوان برجسته ای سرمقاله ای مجله ای مسایل بین المللی و توجه جان میرشیمر (John Mearsheimer) دانشمند و محقق روابط بین المللی را بخود جلب نموده است چنانچه او در یک صحبت خود چنین افاده می نماید : **ایالات**

متحدہ امریکا عامل اصلی و بنیادی بحران اوکراین میباشد.

Polychroniou: بانگاہی به وضعیت کنونی عراق و سوریه، لیبیا، نایجیریا، دریای چین و حتی دربخشیهای اروپا آقای زیگنیو برژنسکی (Z.Brzezinski) در این اواخر دریک توضیح و مصاحبه خود با سرویس (MSNBC) چین افاده نموده است: « ما همین اکنون دربرخی از نقاط جهان با یک نوع هرج و مرج بالقوه و درحال توسعه و گسترش مواجهه می باشیم » و چنین به نظر میرسد که چندان وضع بجا و شایسته نمی باشد، فلذا از نظر شما پس چه مقدار از این توسعه در مقایسه به دوران جنگ سرد به تقلیل و یاکاهش هژمونی و توازن قدرت در جهان امروزی مواجهه خواهد شد؟ یا چه پس منظری بدنبال خواهد داشت؟

نوام چامسکی: بجا است که گفته شود و آن اینکه در این سالهای اخیر تغییرات چشمگیری در جهان معاصر بمشاهد میرسد از جمله این تغییرات یکی هم ظهور چین بعنوان یک قدرت بزرگ و نیرومند و در پهلوی آن آزادی امریکای لاتین برای اولین بار بعد از «500» سال محکومیت و تحت سلطه امپراطوری که تا قرن گذشته در تحت کنترل قرار داشت، بر علاوه این انکشافات نباید ظهور بلوک بریک (برازیل، روسیه هند چین و افریقای جنوبی) و سازمان همکاریهای شانگهای را که بنیاد آن در چین نهاده شد نادیده گرفت که همین اکنون اعضای این سازمان را هند و پاکستان و کشورهای آسیای میانه و دیگرها تشکیل میدهد اما با وجود این همه تغییرات و انکشافات ایالات متحده امریکا با در نظر داشت معیارهای بزرگ در سطح جهان بصفت یک نیروی قدرتمند جایگاه خود را دارا میباشد.

Polychroniou: ماه گذشته متصادف به شصت و نهمین سالگرد بمباردمان ایالات متحده امریکا بالای شهرهای هیروشیما و نیگاساکی در جاپان بود ولی با آنهم تا همین اکنون خلع سلاح اتمی بحیث یک شمیرا (جانوری که سرشیر بدن ببر و دم مار دارد) باقی مانده است. شما در این اواخر دریک مقاله خود بر این نکته تاکید ورزیده اید که ما ناگذیر باید از درگیری جنگ هستوی اجتناب ورزیم، پس شما چنین می اندیشید که خلع سلاح هستوی یک موضوع و ضرورت زمان است که باید درین زمینه قبل از

آنکه این سلاحهای هستوی بدست گروپها تروریستی به افتد اقدامات مقتضی صورت گیرد؟

نوام چامسکی: بجواب این پرسش شما باید گفت که سلاحهای هستوی همین اکنون در دست تروریستها افتاده است تروریست های دولتی! مکرراً باید اذعان کرد که این سلاحهای هستوی همین اکنون در دست تروریستها افتاده است: تروریست دولتی. که ایالات متحده امریکا یکی از اولین این تروریست دولتی شمرده میشود و از جانبی بعید از امکان نبوده و یا میتواند قابل تصور باشد که سلاحهای کشتار جمعی نیز ممکن در دست تروریستهای خرده فروش به افتد که حیات انسانها را تهدید خواهد کرد و برای بقای انسان فوق العاده مضر و خطرناک محسوب شده میتواند.

polychroniou: از سال «1970» به بعد اکثر اقتصادی های پیشرفته به سرمای داری درنده بازگشته است آنطوریکه درآمد و ثروت ها با هم غیرمتعادل و به مدارج بلند خود رسیده است فقر و تنگدستی و بیکاری به میزان غیر قابل تصوریه اوج خود رسیده سطح زنده گی از ستاندارد خود کاهش یافته و باعث بحران گردیده است علاوه بر آن «سرمایه داری واقعی موجود» باعث تخریب وسیع محیط زیست و انفجار و ازدیاد جمعیت گردیده آنطوریکه ممکن منجر به فاجعه جهانی شود. پس در اینصورت به نظر شما در همچو سیستم سرمایه داری تمدن واقعی زنده خواهد ماند و سقوط نخواهد کرد؟

نوام چامسکی: نخست اجازه دهید آنچه که من در ذهن خود از واژه ای «سرمایه داری واقعی موجود» دارم چیزی بگویم: و آن اینکه - ایالات متحده امریکا با در نظر داشت دلایل اشکار و روشن مهمترین مورد و یامهمترین موضوع قابل بحث میباشد: اصطلاح «سرمایه داری» به اندازه کافی برای پوشش بسیاری از امکانات مبهم و مضمرب میباشد، و بطور عام به سیستم اقتصادی امریکا محضاً بشکل ریفرنس از آن استفاده میشود و آنهم به شکلی که دولت به نوآوری های به اصطلاح خلاقانه خود «بیش از حد بزرگ و رو به شکست» مداخله می نماید. پالیسی بیمه های دولتی از بانکها که وصف کاملاً انحصاری دارد خود اعتماد بازار را بیش از حد محدود میسازد.

از جانب دیگر نباید از نظر دور داشت و آن اینکه این خود ارزش آن را دارد که میزان توسعه «سرمایه داری واقعی موجود» را از نقطه نظر رسمی «بازار آزاد» با تذکر محضاً چند مثال در مدت زمان (20) سال گذشته در نظر گیریم و یکی از نمونه آن مثال ها - افزایش شدید سود بیش از (200) شرکت های بزرگ امریکایی آنهم ناشی از بکاربرد انحصار روبرو در اقتصاد ایالات متحده امریکابود که این خود مستقیماً بازار را تضعیف نمود و باعث عدم افزایش قیمت کالا ها در مارکیت گردید و از سوی دیگر با اعلانات گسترده از تولیدات اغلباً بی ارزش و ناکارآمد ، دادوستد را در بازار در نظر مشتریان مبنی به انتخاب کالاهای مورد ضرورت شان بی مفهوم ساخت یعنی که اشتها را بیش از حد نیز از گرمی و رونق بازار تا حدی که توانست جلوگیری نمود کمپیوتر و انترنیت همرا با دیگر اقلام اساسی انقلاب تکنالوژی اطلاعاتی که بخش بزرگ اقلام دولتی را تشکیل میدهد (سببایندی در بخش پژوهش و انکشاف «R and D» و دستگاه های دیگر) این اقلام را چندین دهه قبل بخرض دستیا بی سود بیشتر در اختیار شرکت های خصوصی گذاشتند.

از سوی دیگر پالیسی بیمه دولتی که هدف آن فراهم آوری تسهیلات بخرض سود و نفع بانک های بزرگ ایالات متحده امریکا میباشد طوریکه توسط عده ای از اقتصاددانان و مطبوعات تجاری تخمین زده شده است دولت امریکا سالانه مبلغ (80) بیلیون دالر را به این منظور یعنی بخاطر بیمه ای این بانک ها اختصاص میدهد . بهر صورت مطلب دیگری را که باید در مورد آن مکت نمود اینست که درین اواخر صندوق بین المللی پول دریک مطالعه تازه ای خود به نقل قول از مطبوعات تجاری چنین اظهار نظر می نماید . آن اینکه « بانکهای بزرگ ایالات متحده امریکا اصلاً سود و نفع بدست نمی آورند » بلکه ملیاردها دلاری که این بانک ها بدست می آورند همه پول های تحفه و یا هدیه های از مالیات دهنده گان ایالات متحده امریکا میباشد که این خود شواهد حمایت کننده ای مارتین اولف (Martin Wolf) مفسر اقتصادی روزنامه فاینن شیل تایم لندن (Financil Times of London) میتواند باشد طوریکه او چنین افاده می نماید : سکتور مالی خارج از کنترل در واقعیت امر حیف و میل اقتصاد بازار مدرن از داخل میباشد مثل آنکه نوزاد عنکبوت میزبان خود را از درون بخورد.

روی همرفته تمام این ویرانی های اقتصادی که فوقاً از آن یادآوری شد ناشی از سرمایه داری معاصر است که شما در پرسش قبلی خود بر توضیح آن تاکید نمودید ، سرمایه داری واقعی موجود - یا توسعه سرمایه داری واقعی موجود توأم با عیوب و نقص یا کسر (تلفظ واقعاً موجود به مفهوم «خراب کردن») میباشد و آن اینکه این نظام ویا سیستم اساساً با دموکراسی ناسازگار است . و من بعید میدانم ویا به نظرم بعید است که تمدن با سرمایه داری موجود واقعی بتواند زنده باقی بماند و توأم با آن دموکراسی به شدت ضعیف شده نیز به حیات ضعیف و ناتوان خود ادامه بدهد، ویا اینکه ممکن عملکرد دموکراسی با در نظر داشت اوضاع از هم تفاوت نماید؟ در نظر گرفتن سیستم های غیر دموکراسی تنها میتواند سفته بازی ویا «speculative» باشد، اما آنچه که من می اندیشم در اینجا بعضی دلایلی وجود دارد که بالای آن باید تعمق صورت گیرد و آن اینکه ، که اگر سرمایه داری واقعی موجود را بشر آفریده ویا خلق نموده است ، پس پدیده ای است که بشر میتواند آنرا تغیر دهد ویا آنرا به یک بدیل دیگر تعویض نماید.

polychroniou : آخرین مجلد کتاب شما تحت عنوان استاد انسان (Master of Mankind) که شامل مجموعه مقالات شما از سال (1969-2013) میباشد در ماه سپتمبر توسط (Haymarket Books) زیور چاپ یافت و بدسترس خواننده گان قرار گرفت پیوسته به آن همه میدانیم که در این مدت تغیرات وسیع و گسترده در سراسر جهان رخ داده است، پرسش من درین زمینه از شما چنین است: آیا از نظر شما واقعاً در جهان امروزی تغیرات وسیع بوقوع پیوسته است؟ اگر چنین است ، پس از دیدگاه ویا چشم انداز شما بویژه در سیاست کدام رخداد ها به شدت و شتاب بیشتر جامعه عمل پوشیده ویا بوقوع پیوسته است؟ **نوام چامسکی**: فهم و درک من از جهان در حال تغیر چه در گذشته و چه اکنون بیشتر در مورد رویدادهای گذشته و رویدادهای جدی کنونی میباشد که پیوسته و بطور منظم از این تغیرات رونما شده بسی چیزها را آموخته ام ، ولی من نمیتوانم که محضاً یک رویداد منفرد ویا افراد منفرد را مجرداً شناسایی نمایم بلکه شناسایی وقایع جمعی یک روند ثابت از تجدید نظر در پرتو اطلاعات جدید و تعمق پیرامون آنچه که من بدرستی آن را درک نه نموده ام میباشد. اما بهر صورت ساسله مراتب و خودسری ها تا هنوز در محراق سیاسی جهان

ما در سرشت همه شیاطین و شرر پیشه گان باقی مانده است .
polychroniou: در تبادل نظریات اخیری که ما داشتیم ، من به ارتباط گونه های (نوع بشر یا species) ما در آینده ها ابراز بدبینی نمودم ، شما درین مورد گفتید « اعتقاد راسخ خود را به اشتراک گذارید ولی پیوسته باید بخاطر داشته باشید که خطر را نگه کنید! وگاهی اوقات از قطعات ادبی شخص ویا اشخاص نمونه وی نقل قول کنید که او خود استاد وکارشناس ارشد باشد یعنی آن کسی که بالآخر تلاشهای پیگیرش باز هم بدر نظر داشت اوضاع وخیم امروزی در پهنای جهان هیچ امیدی به آینده نداشته باشد» ؟ ایا وضعیت اینقدر وخیم است ؟

نوام چامسکی: ما درین مورد مطمئناً چیزی بیشتر نمیدانیم ولی آنچه که ما میدانیم اینست که اگر ما خود را به ناامیدی ها تسلیم نمایم، اطمینان باید داشت که آن حالت ناگوار و بدتر اتفاق خواهد افتاد ولی اگر ما به امیدهای موجوده دل ببندیم ویا چنگ بزنیم و با سعی و تلاش و کار خوب آن امیدواری ها را بهتر سازیم ویا از آن استفاده درست بنمایم در آن صورت شاید د نیای بهتری خواهیم داشت .

ولی نه چندان انتخابی.

باتقدیم احترامات خالصانه .